

ایمان ما به روح القدس

درس
چهارم

در ایماندار



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: ایمان ما به روح القدس (درس شماره ۴: در ایماندار)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) تبدیل

نوزایی

الزام

تسلط گناه

زشتی گناه

اهانت آمیزی گناه

علاج ناپذیری گناه

تبری

تقدیس

(۳) زندگی مسیحی

سکونت

تقدیس

شفاعت

حفاظت

(۴) نتیجه گیری

در ایماندار

مقدمه

در دوران پادشاهی باستانی اسرائیل، داوود پادشاه برای ساخت معبد خدا برنامه‌ریزی کرد. او حتی بسیاری از مصالح مورد نیاز برای ساخت و تزئین معبد، به ویژه فلزات و جواهرات گرانبهای آن را جمع‌آوری کرد. اما کار ساخت معبد در واقع به سلیمان، پسر داوود واگذار شد. و هنگامی که سلیمان معبد را تکمیل کرد، خداوند با جلال خود آن را پُر ساخت و نام خود را برای همیشه بر آن مکان گذاشت.

کار خدا در زندگی ایمانداران تا حدودی اینچنین است. خدای پدر نجات ما را برنامه‌ریزی کرد. پسرش، خداوند عیسی، کاری را که برای نجات ما ضروری بود به انجام رسانید. و روح القدس در ما ساکن شده، ما را پُر می‌سازد تا تضمین کند که نقشه پدر و کار پسر در زندگی ما تا به ابد شکل گرفته است. در واقع، از آنجا که روح القدس درون ما زندگی می‌کند، پولس در رساله اول خود به کلیساها در قرن‌س، مستقیماً ایمانداران را با معبد مقایسه کرده است.

این چهارمین درس از مجموعه دروس «ایمان ما به روح القدس» است. ما این درس را «در ایماندار» نام‌گذاری کرده‌ایم زیرا کار روح القدس در اعمال نجات در زندگی یک شخص ایماندار را بررسی خواهیم کرد. نجات، یک کار کاملاً تثلیثی است. به زبان ساده، پدر نقشه نجات ما را کشید. پدر داوری است که غضب او با قربانی مسیح به خاطر ما باید فرو می‌نشست. او کسی است که با فیض، از طریق ایمان، و در مسیح نجات را به ما عطا می‌کند. پسر کسی است که به عنوان عیسی مجسم شد. او نجات ما را از طریق زندگی کامل، مرگ، قیام پیروزمندانه و صعود خود به کمال رسانید. اما در واقع، روح القدس است که عناصر گوناگون نجات را در زندگی ایمانداران اعمال می‌کند.

در الاهیات منتظم، کار روح القدس در اعمال نجات در زندگی ایمانداران معمولاً قسمتی از نجات‌شناسی تلقی می‌شود که آموزه نجات است. بحث نجات‌شناسی اغلب دو بخش عمده را در بر می‌گیرد، که معمولاً به وسیله عناوین لاتین‌شان شناخته می‌شوند. از یک سو، هیستوریا سلوتس (historia salutis) یا تاریخ نجات، رویدادها و اعمال نجات‌بخش خداست که نجات را برای قوم خود به انجام می‌رساند. همانطور که در درس‌های قبلی دیدیم، روح القدس، از طریق بسیاری از کارهای مدبرانه خود، همیشه نقش مهمی در تاریخ نجات ایفا کرده است. از سوی دیگر، اُردو سلوتس (ordo salutis) به معنی ترتیب نجات، اشاره به ترتیب زمانی و منطقی وقایعی می‌کند که به واسطه آنها روح القدس جنبه‌های گوناگون نجات را در زندگی ایمانداران اعمال می‌کند. از آنجا که این درس بر کار

روح القدس در اعمال نجات بر شخص ایماندار تمرکز دارد، در ابتدا به بحث پیرامون جنبه‌های اُردو سلوتس خواهیم پرداخت.

کار روح القدس در ایماندار را تحت دو عنوان اصلی بررسی خواهیم کرد. ابتدا، شروع کار نجات‌بخش روح القدس را به هنگام تبدیل‌مان، یعنی زمانی که در ابتدا نجات یافتیم، توضیح خواهیم داد. و سپس، به توضیح کاربرد مداوم نجات در زندگی مسیحی خود خواهیم پرداخت. بیاید با کار روح القدس در لحظه تبدیل‌مان این بحث را آغاز کنیم.

تبدیل

کلمه «تبدیل» اشاره به تغییر چیزی به چیز دیگر می‌کند. در برخی از مکاتب مسیحی، «تبدیل» رخداد تعریف‌شده‌ای است که در زمان ایمان نجات‌بخش شخص، اتفاق می‌افتد. ولی در این درس، این اصطلاح را در حالت کلی‌تری استفاده خواهیم کرد. یعنی صرف نظر از اینکه شخص چطور مراحل نجات را تجربه می‌کند، فقط به مراحل شروع آن اشاره خواهیم کرد.

روایت تبدیل افراد مختلف کمی با هم متفاوت هستند، بنابراین، نمی‌توان جرئت کرد و همه را در یک دسته قرار داد و گفت که باید اینطور باشد. ولی روایت هرچه که باشد، در واقع کار روح القدس است که ما را به سوی خود می‌کشاند، ما را مجذوب خود می‌کند، ما را به گناه ملزم می‌کند، موجب می‌شود تا نیاز خود به نجات را ببینیم، و سپس ایمان حقیقی را به ما می‌بخشد – که همان اعتماد به عیسی است – ایمانی که برای نجات یافتن به آن نیازمندیم.

کشیش مایک آزبورن

ما چهار جنبه از کار روح القدس را به هنگام تبدیل‌مان مطرح خواهیم کرد. ابتدا، کار او را در نوزایی روح خود بررسی می‌کنیم. دوم، بر کار او در الزام ما به گناه‌مان تمرکز خواهیم کرد. سوم، از کار عادل‌شمردگی یا مبرا‌شمردگی روح، که به بخشش و عدالت منجر می‌شود، صحبت خواهیم کرد. و چهارم، جوانب اولیه قدرت تقدیس‌کننده او در زندگی‌مان را ذکر خواهیم کرد. بیاید با عمل نوزایی روح القدس شروع کنیم.

نوزایی

کلمه «نوزایی» به معنی «بازآفرینی» یا «تولد دوباره» است. در الاهیات رسمی، نوزایی «رویدادی است که در آن یک انسان از وضعیت مرگ روحانی به وضعیت حیات روحانی، تغییر موقعیت می‌دهد.» همه انسان‌ها در وضعیت مرگ روحانی پا به جهان می‌گذارند. و همه ما در وضعیت مرگ روحانی باقی خواهیم ماند، مگر و تا زمانی که روح القدس ما را از نو خلق کند. ما مرگ روحانی خود را از انسان اول یعنی آدم به ارث برده‌ایم. زمانی که او در باغ عدن مرتکب گناه شد، خدا تمامی بشریت را با مرگ روحانی و جسمانی لعنت کرد. و در آن لحظه، آدم و حوا در روح فاسد شدند. و این فساد روحانی جوهره مرگ روحانی است. پولس در رومیان ۷: ۱۴-۲۵، به این مسئله به عنوان «طبیعت گناه‌آلود» ما اشاره می‌کند. تعبیر پولس از «طبیعت گناه‌آلود» این است که گناه درون جسم ما زندگی می‌کند و حتی کنترل افکار ما را نیز به دست دارد.

علاوه بر این، مرگ روحانی تمامی نسل طبیعی آدم و حوا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همانطور که پولس در رومیان ۵: ۱۲-۱۹ روشن می‌کند، آدم نماینده ما در حضور خدا بود. در نتیجه، همگی ما در گناه او و در عواقب مرگ روحانی و جسمانی گناه وی شریک هستیم. قسمت‌هایی مانند یوحنا ۳: ۵-۷ و رومیان ۸: ۱۰ و کولسیان ۲: ۱۳ تصدیق می‌کنند که تمامی انسان‌هایی که در این جهان متولد می‌شوند، از لحاظ روحانی مُرده‌اند. همانطور که در عبرانیان ۴: ۱۵ و ۷: ۲۶ می‌خوانیم، عیسی تنها شخصی است که این لعنت بر او نیامد.

حال، حتی وقتی که از لحاظ روحانی مُرده باشیم، جان ما همچنان جسم‌مان را زنده نگه می‌دارد طوری که ما می‌توانیم به تفکر، احساس، رویاپردازی، انتخاب، و مشغولیت در دنیا ادامه دهیم. اما به دلیل مرگ و فساد روحانی، انسان‌ها، از نقطه نظر اخلاقی، نمی‌توانند خدا را خشنود کنند. ما توانایی خشنود ساختن او و یا شایستگی دریافت برکاتش را نداریم. او را دوست نداریم. به او ایمان نداریم. هر آنچه که انجام می‌دهیم از انگیزه‌ها و قلب گناهکارمان جاری می‌شود. ما، به راستی، سزاوار غضب او هستیم، و شدیداً احتیاج به نجات داریم.

نکات اصلی سوم و چهارم آموزه از مجموعه دورت (Canons of Dort)، که در سال ۱۶۱۹ تهیه شده است، مسئله مرگ روحانی را اینگونه خلاصه می‌کند:

نطفه همه انسان‌ها در گناه بسته شده است و به عنوان فرزندان غضب متولد شده‌اند، درخور هیچ نیکویی که قادر باشد آنان را نجات بخشد نیستند، به شرارت تمایل دارند، در گناهان‌شان مُرده‌اند، و برده گناه هستند؛ بدون برخورداری از فیض نوزای روح القدس، انسان‌ها نه مایل و نه قادر به بازگشت به سوی خدا هستند، نمی‌توانند طبیعت زوال یافته خود را اصلاح کنند، و حتی قادر نیستند خود را در معرض چنین اصلاحی قرار دهند.

همانطور که پولس در رومیان ۸: ۶-۸ بیان می‌کند:

طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است... طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد، و کسانی که در حاکمیتِ نَفْس هستند، نمی‌توانند خدا را خوشنود سازند (رومیان ۸: ۶-۸).

برای انسان این وضعیت بسیار وحشتناک است. ولی در عین حال نشان‌دهنده اهمیت نوزایی اوست.

نوزایی واژه‌ای الاهیاتی است. همانطور که وین گرودم می‌گوید، نوزایی به آن «کار اسرارآمیز خدا که طی آن حیات روحانی تازه‌ای به ما می‌بخشد» اشاره می‌کند. بنابراین، نوزایی کار خارق‌العاده روح خدا است. نوزایی در مورد احیا و تبدیل قلب به شباهت خداست. نوزایی یعنی تغییر زندگی یک گناهکار. شخص از نو خلق شده کسی است که از مرگ روحانی به حیات روحانی منتقل شده باشد. نوزایی نشانه متمایز یک ایماندار حقیقی است. نوزایی کار خدا در تبدیل قلب انسان‌ها است. حزقیال نبی در رابطه با این موضوع از این کلمات استفاده می‌کند: «قلب سنگی از میان برداشته شده و با قلب گوشتی جایگزین شده است.»

دکتر کشیش کائن آلفرد سباهین

در عمل نوزایی، روح ما از مرگ روحانی به حیات روحانی منتقل می‌شود. ما این انتقال از مرگ به زندگی را در آیاتی مانند یوحنا ۵: ۲۴؛ افسسیان ۲: ۴-۵؛ و کولسیان ۲: ۱۳ می‌بینیم. و در قسمت‌های دیگر، کتاب مقدس این روند را با واژه «تولد تازه» بیان می‌کند. همانطور که عیسی در یوحنا ۳: ۳-۶ می‌گوید:

تا کسی از نو زاده نشود، نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند... تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد. آنچه از بشرِ خاکی زاده شود، بشری است، اما آنچه از روح زاده شود، روحانی است (یوحنا ۳: ۳-۶).

قید یونانی آنوتن (anotēn) که در عبارت «تولد دوباره»، «دوباره» ترجمه شده است، همچنین می‌تواند «از بالا» ترجمه شود. و در این مورد هر دو ترجمه صحیح هستند. ما تولد دوباره‌ای - تولد روح‌مان - را از بالا، که از روح القدس است، دریافت می‌کنیم. البته همه انسان‌ها روحی دارند که بدن آنها را جان می‌بخشد. اما فقط ایمانداران

«زندگی» روحانی دارند، چون تنها ایمانداران توسط روح القدس از نو خلق شده‌اند. گوش کنید که پولس در تیتوس ۳: ۵ چه می‌گوید:

ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح القدس است (تیتوس ۳: ۵).

در بعضی ترجمه‌ها، برای کلمه یونانی پالیگنسیا (paliggenesia) که اینجا «تولد تازه» ترجمه شده، از عبارت «نوزایی» استفاده شده که ترجمه عالی دیگری برای همین کلمه است.

زمانی که روح القدس ما را از نو می‌آفریند، او به روحمان زندگی بخشیده و ما را به سمت خدا هدایت می‌کند. همانطور که پولس در رومیان ۶: ۴-۱۴، تعلیم می‌دهد، نوزایی ما معنی مرگ ما نسبت به گناه و رهایی ما از سلطه گناه را نیز می‌دهد.

بعضی از مکاتب اوانجلیکال باور دارند که فقط در صورت برخورداری از ایمان نجات‌بخش است که روح القدس ما را از نو خلق می‌کند. دیگران استدلال می‌کنند که شخص از نو خلق نشده، نمی‌تواند ایمان نجات‌بخش داشته باشد و یا اینکه از آن بهره‌مند شود. و بنابراین، عمل نوزایی باید قبل از برخورداری از ایمان نجات‌بخش صورت گیرد. اما همگی ما باید بپذیریم که نوزایی، عمل فیض‌بخش و معجزه‌آسای خداست که کارکرد عادی جهان طبیعی را وارونه می‌کند. وقتی روح القدس عمل نوزایی را به جا می‌آورد، ما مردگان در روح را با اعطای زندگی به روحمان از میان مردگان بر می‌خیزاند. او اصل طبیعت ما را به عنوان یک انسان تغییر می‌دهد، قابلیت اخلاقی را در ما بازسازی می‌کند، و به ما قلبی جدید می‌بخشد که مایل است خدا را خشنود کند.

قلبی که از نو متولد شده باشد، قلبی است که زندگی روح القدس در آن جاری شده است به طوری که خدا را به شیوه‌ای نو به ما نشان می‌دهد تا فیض او را نسبت به خود ببینیم. و زمانی که نیازی بزرگ، نیازی بزرگ به رحمت و فیض او داریم، او در مقام پدر به سوی ما می‌آید. او به سمت ما می‌آید تا ما را به سوی خود بکشاند و عاشق خود کند. او همان است که در اعماق وجودمان مشتاق خدمتش می‌شویم. و همین مورد هویت جدید ما را نشان می‌دهد. و به گمان من، این هویت جدید را می‌توان با داشتن محبت جدید و یا داشتن ارباب جدیدی که او را خدمت می‌کنیم تعریف کرد.

دکتر مارک ساسی

حال که مبحث تبدیل را بر پایه کار روح القدس در نوزایی روح خود بررسی کردیم، بیایید درباره کار او در الزام ما به گناه صحبت کنیم.

الزام

اصطلاح «مُلزم کردن» در الاهیات مترادف با «آگاهی از خطا و تقصیر گناه‌مان» است. در یوحنا ۱۶: ۸-۱۱، عیسی به روشنی درباره کار الزام روح القدس اینطور تعلیم می‌دهد:

چون او آید، جهان را مُجاب [مُلزم] خواهد کرد که به لحاظ گناه و عدالت و داوری، تقصیرکار است. به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند. به لحاظ عدالت، زیرا نزد پدر می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. و به لحاظ داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است (یوحنا ۱۶: ۸-۱۱).

روح القدس ما را به خاطر گناه‌مان محکوم می‌کند تا ما را به نجات در خداوند عیسی مسیح برساند. روح با آگاه‌سازی ما از گناه‌مان شروع می‌کند تا ما به تقصیر خود واقف شویم. او ما را به پذیرش این حقیقت سوق می‌دهد که به راستی سزاوار غضب خدا هستیم. در قبال گناهی که انجام داده‌ایم، او در ما درهم‌شکستگی و ندامت ایجاد می‌کند. و به امید دریافت بخشش و نجات در عیسی، ما را به اعتراف و توبه از گناه‌مان هدایت می‌کند. وقتی روح القدس بی‌ایمانان را به ایمان می‌خواند، ملزم کردن یکی از اولین کارهای اوست. البته روح، افراد بسیاری را به روش‌هایی می‌خواند و ملزم می‌کند که به نجات آنان ختم نمی‌شود. افراد می‌توانند به توبه و ایمان خوانده شوند، حقیقتاً به گناهکاری خود پی ببرند، اما همچنان به مسیح روی نکنند. برای نمونه، در اشعیا ۵۹: ۱۲، تعبیر اشعیا نبی از قوم گناهکار و تحت عهد خدا این است:

خطایای ما با ما است و گناهان خود را می‌دانیم (اشعیا ۵۹: ۱۲).

وقتی که قوم متوجه گناه‌شان شده و آن را پذیرفتند، محکوم شدند. اما در آیه ۲۰ خداوند چنین می‌گوید:

برای کسانی که از نافرمانی‌های خویش بازگشت کنند، رهاننده‌ای به صهیون خواهد آمد (اشعیا ۵۹: ۲۰).

برای نجات، مردم می‌بایست توبه می‌کردند. خواندگی به ایمان و یا احساس الزام صرف کافی نبود.

اما وقتی از عمل ملزم کردن روح القدس به عنوان بخشی از روند تبدیل صحبت می‌کنیم، کسانی را مد نظر داریم که ندای روح در ایشان «مؤثر» است – کسانی که نفوذ فیض بخش روح القدس، توبه حقیقی و نجات را در زندگی‌شان تولید می‌کند. این عمل روح القدس کار خاصی است که نه تنها ما را برای شنیدن انجیل آماده می‌کند، بلکه در عمل باعث نجات ما می‌شود.

مثال مناسبی از این نوع الزام را می‌توان در موعظه پطرس در اعمال رسولان باب ۲ یافت. در اولین پنتیکاست، بعد از صعود مسیح به آسمان، پطرس انجیل را به تعداد زیادی از یهودیان که در اورشليم گرد آمده بودند، موعظه کرد. و روح القدس به طریقی نجات بخش تعداد زیادی از آنها را به گناهان شان ملزم کرد. در نتیجه، هزاران نفر ایمان آوردند. لوقا این واقعه را در اعمال رسولان ۲: ۳۷-۴۱ اینطور گزارش می‌کند:

چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: «ای برادران چه کنیم؟» پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و... تعمید گیرید...» و به سخنان بسیار دیگر، بدیشان شهادت داد و موعظه نموده، گفت که «خود را از این فرقه کج رو رستگار سازید.» پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمین سه هزار نفر بدیشان پیوستند (اعمال رسولان ۲: ۳۷-۴۱).

عبارت دلریش، حالتی را توصیف می‌کند که ما آن را «الزام» نامیدیم؛ الزامی که منجر به نجات ۳۰۰۰ نفر در آن روز شد.

هنگامی که پطرس جمعیت را فراخواند تا توبه کرده و تعمید بگیرند، او در واقع آنچه را که ما در مورد الزام نجات بخش بیان کردیم، تایید کرد. به احتمال بسیار زیاد، تعدادی از کسانی که سخنان پطرس را شنیدند، نوعی الزام معمولی را احساس کردند. اما از آنجا که اینگونه احساس الزام در آنها، کار نجات بخش روح القدس نبود، دعوت به توبه و نجات را رد کردند. ولی کسانی که این خواندگی در ایشان مؤثر بود، الزام نجات بخش را تجربه کردند. آنها گناهکاری خود را پذیرفتند، به گناهان خود اعتراف کردند، از گناهان شان حقیقتاً پشیمان شدند، و راغب شدند تا توبه کرده و تعمید بگیرند.

در واکنش کلیسا به ایمان آوردن کرنیلیوس غیر یهودی و خانواده اش می‌توان دید که الزام و توبه، حاصل کار روح القدس بود. قبل از ایمان آوردن کرنیلیوس، کل کلیسا را یهودیان تشکیل می‌دادند. به همین دلیل، در اعمال رسولان ۱۰: ۴۴-۴۵ وقتی که روح القدس بر کرنیلیوس و خانواده اش نازل شد، ایمانداران یهودی حیرت زده شدند. ولی زمانی که آنها اخبار مربوط به کرنیلیوس و خانواده اش را شنیدند، خدا را برای نجات کرنیلیوس ستایش کردند. به آنچه کلیسا در اعمال ۱۱: ۱۸ گفت، گوش کنید:

به راستی که خدا توبهٔ حیات بخش را به غیریهودیان نیز عطا فرموده است! (اعمال رسولان ۱۱: ۱۸).

بازگویی این آیه از سوی لوقا نشان می‌دهد که او تایید می‌کند که حق با کلیسا بود – الزام و توبه قسمتی از عطای روح القدس هستند.

الزام نجات بخش را می‌توان به شیوه‌های گوناگون توضیح داد. اما در جهت اهداف این درس، چهار اصل متداول را بررسی خواهیم کرد. اول اینکه، الزام ما توسط روح القدس سبب می‌شود نسبت به تسلط گناه بر خود آگاه شویم.

تسلط گناه

اینطور نیست که انسان‌های سقوط کرده – و حتی انسان‌های نجات یافته – فقط هر از گاهی مرتکب گناه می‌شوند. ما همهٔ اوقات در حال گناه هستیم. افکار گناه‌آلود در سر داریم، سخنان گناه‌آلود بر زبان می‌آوریم، و کارهای گناه‌آلود انجام می‌دهیم. همانطور که در کتاب جامعه ۷: ۲۰ می‌خوانیم:

مرد عادل در دنیا نیست که نیکویی ورزد و هیچ خطا ننماید (جامعه ۷: ۲۰).

و همانطور که یوحنا رسول در اول یوحنا ۱: ۸ گفت:

اگر گوییم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست (اول یوحنا ۱: ۸).

ما ایده‌های مشابه به این موضوع را در پیدایش ۸: ۲۱ و رومیان ۳: ۲۳ و یعقوب ۳: ۲ و بسیاری از قسمت‌های دیگر کتاب مقدس پیدا می‌کنیم.

این که همگی ما گناه می‌کنیم بد است. اما بدتر از آن این است که همهٔ ما «بسیار زیاد» گناه می‌کنیم. در مزمو ۴۰: ۱۲، داوود نوشت که گناهان او بیشتر از موهای سرش بود. و او مردی موافق دل خدا بود! بنابراین، گناهان بی‌ایمانان به مراتب بیشتر خواهد بود. از این جهت، بخشی از کار نجات بخش روح القدس در الزام ما، این است که ما را آگاه کند که چقدر گناهکار هستیم. او نشان می‌دهد که چقدر بد و چقدر زیاد گناه می‌کنیم.

بسیار جالب توجه است که از همان ابتدای کلام، پیدایش ۶: ۵ به ما می‌گوید که هر نیت اندیشه‌های دل ما برای بدی است. در اینجا کلمهٔ «دل» اشاره به هستهٔ مرکزی شخصیت ما می‌کند. مفهوم واقعی این آیه این است که ما

انسان‌ها برای رسیدن به دستاوردها، پیروزی، تسلط، و در حقیقت هر چه که می‌کنیم تحت سلطهٔ اشتیاق و خواسته‌ای خودخواهانه قرار داریم. اگر تصور شما بر این باشد که انسان‌ها به طور ذاتی خوب و نیکو هستند، نمی‌توانید رفتار انسانی آنها را درک کنید. در حقیقت، با نگاه به تاریخ بشر، باید بگوییم که خیر، ما ذاتاً خوب نیستیم؛ ما ذاتاً به طور شرورانه‌ای خودخواه هستیم.

دکتر جان آزلت

دومین جنبهٔ متداول از الزام نجات‌بخش روح این است، که ما را به زشتی گناه حساس می‌کند.

زشتی گناه

وقتی روح القدس ما را به گناه ملزم می‌کند، ما را متقاعد می‌کند که گناه ما یک نوع اشتباه غیر عمدی، و تنها یک خطای فنی نیست. گناه زنده، نفرت‌انگیز و تهوع‌آور است. فساد ناپاک است که جسم و جان ما را ضایع می‌کند. گناه به قدری ناخوشایند است که پسر خدا می‌بایست جان خود را فدا سازد تا ما را از آن نجات دهد. در کتاب اشعیا ۶۴: ۶ صحبت از گناهان اسرائیل می‌شود و اشعیا نبی می‌گوید که قوم ناپاک شده‌اند. حتی کارهایی که در نظر آنها اعمال عدالت محسوب می‌شد، در واقع چیزی نبود جز پارچه‌ای کثیف. و قوم به خاطر گناهشان در حال نابودی بودند. و به همین شکل، عیسی نیز فقیهان و فریسیان را سرزنش کرد. در متی ۲۳: ۲۷ عیسی آنها را به قبرهای سفیدی تشبیه کرد که درونشان پر از اجساد مرده و آکنده از کثافت بود. در رومیان باب ۷، پولس توضیح می‌دهد که چطور درک صحیح از زشتی گناه می‌تواند ما را به سمت توبه و نجات سوق دهد. در چارچوب این باب، پولس تعلیم می‌دهد که شریعت مقدس، عادل، و کامل خدا باعث برانگیختگی گناه در بی‌ایمانان می‌شود. اما روح القدس این کار را به نحوی انجام می‌دهد که نشان دهد گناه چقدر نفرت‌انگیز است. پولس در رومیان ۷: ۱۳ توضیح می‌دهد:

گناه به واسطهٔ آنچه نیکو بود، مرگ را در من پدید آورد تا بدین گونه گناه بودنش جلوه‌گر شود و پلیدی گناه از طریق حکم شریعت به اوج برسد (رومیان ۷: ۱۳).

در اینجا پولس می‌گوید که «آنچه که نیکوست» و «احکام» – که هر دو اشاره به شریعت دارند – ذات گناه‌آلود گناه را بر ملا می‌کنند.

در اکثر موارد، انسان‌های از نو خلق نشده مشکلی با گناه ندارند. ما تمایل داریم خود را نیکو ببینیم و کمبودهای شخصی و شکست‌های خود را پیش پا افتاده قلمداد کنیم. و دلایل زیادی برای این کار وجود دارد. ما به گناه عادت کرده‌ایم، بنابراین به گناه کردن رضایت می‌دهیم. گناه، اشتباهی را که انجام می‌دهیم توجیه می‌کند، و در نتیجه، احساس بهتری دربارهٔ خودمان به ما می‌دهد. گناه جذاب است چون وعده می‌دهد که می‌تواند ما را به هوس‌ها و آرزوهای مان برساند. اما دلیل اصلی پذیرش گناه این است که خود ما گناهکار هستیم. و به جای اینکه از خودمان متنفر باشیم، تمایل داریم از خود به عنوان معیاری برای داوری مابقی جهان استفاده کنیم. ما مسائل را با دید خدا نمی‌نگریم و با سیرت و اصول اخلاقی او موافق نیستیم. بنابراین، بخشی از نقش روح القدس این است که سبب گردد انسان‌های سقوط کرده آنچه را ببینند که خدا می‌بیند. به هنگام تبدیل، روح القدس چشمان ما را می‌گشاید تا گناه را به نحوی ببینیم که خدا آن را مشاهده می‌کند - یعنی گناهی که حقیقت، زیبایی، و خوبی را به طور هولناکی فاسد می‌کند.

سومین جنبه از عمل نجات‌بخش روح القدس در ملزم کردن ما اینست که ما را از اهانت‌آمیزی گناه نزد خدا آگاه کند.

اهانت‌آمیزی گناه

تحت عمل ملزم‌کنندهٔ روح القدس در نجات، گناهکاران پی می‌برند که گناه‌شان، توهین به ذات قدوس خدا بوده، آنها شریعت مقدس او را زیر پا گذاشته‌اند، و به حق سزاوار خشم او هستند. در این زمینه، به چند نمونهٔ کتاب مقدسی توجه کنید. در کتاب عزرا ۹: ۶، عزرا دعا کرد:

ای خدای من، شرمسارم و از بلند کردن سر خود در حضور تو شرم دارم، زیرا خطایای ما از سرمان گذشته و تقصیراتمان سر به فلک زده است (عزرا ۹: ۶).

در اشعیا ۵۹: ۱۲، اشعیا اعتراف کرد:

خطایای ما با ما است و گناهان خود را می‌دانیم (اشعیا ۵۹: ۱۲).

و در کتاب ارمیا ۱۴: ۷ ارمیا دعا کرد:

گناهان مان بر ضد ما شهادت می‌دهد... زیرا ارتدادهای ما بسیار است، و به تو گناه ورزیده‌ایم (ارمیا ۱۴: ۷).

این جنبه از الزام روح است که باعث می‌شود به وضعیت محکوم و گمشده خود پی ببریم. ما می‌فهمیم که عدالت خدا حقیقی است و گناه‌مان ما را در موقعیت بدی قرار داده است، بنابراین محکوم هستیم و باید منتظر خشم و مجازات او باشیم.

چهارمین جنبه از کار نجات‌بخش روح القدس در ملزم کردن ما این است که علاج‌ناپذیری گناه را بر ما آشکار می‌کند.

علاج‌ناپذیری گناه

گناه، ما را در موقعیتی علاج‌ناپذیر قرار می‌دهد زیرا باعث می‌شود که نتوانیم خدا را خشنود، و یا برکات او را دریافت کنیم. به دلیل فسادِ گناه، نمی‌توانیم چیزی که خدا را خشنود می‌کند انجام دهیم، چه برسد به اینکه خودمان را نجات دهیم. به همین دلیل است که پولس در رومیان ۵: ۶ ما را «ناتوان» می‌نامد.

سقوط انسان در گناه همه توانایی ما را برای خشنود ساختن خدا کاملاً تحت تاثیر قرار داد. قبل از سقوط، همه چیزهایی که آدم انجام داد – جالب است که به این موضوع فکر کنید – هر آنچه که آدم انجام داد خدا را خشنود کرد، به جز خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد. اما به محض اینکه گناه صورت گرفت، قلب، ذهن، روح، و تمام وجودمان متاثر شد و هر آنچه که از آن به بعد انجام دادیم گناه‌آلود بود. و بنابراین، حتی اعمال عادلانه ما، یا در واقع آنچه که ما آن را اعمال «عادلانه» می‌نامیم، عاری از گناه نیست... و در نتیجه، سقوط به کمال خود رسیده است. و بدون کار پُر فیض مسیح، چیزی که ما بتوانیم با انجام آن در نهایت موجب خشنودی و فخر خدایمان شویم، وجود ندارد.

دکتر جِف لُومَن

از آنجا که گناه ما را در این شرایط علاج‌ناپذیر قرار می‌دهد، برای بخشش و نجات، به طور کامل به فیض خدا متکی می‌شویم. به همین دلیل است که نویسندگان کتاب مقدس اصرار دارند نجات به فیض است و نه از اعمال. همانطور که پولس در افسسیان ۲: ۸-۹ نوشت:

محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند (افسسیان ۲: ۸-۹).

این کار الزام روح القدس است که ما را به درک این موضوع هدایت می‌کند. این الزام باعث می‌شود تا از فضایل خود برای نجات یافتن ناامید شویم، و درک کنیم که بدون رحمت و فیض خدا، درمانده‌ایم. نتیجه این خواهد بود که روح القدس ما را به توبه می‌کشاند، و به ما ایمانی می‌بخشد که باور کنیم خدا گناهانمان را خواهد بخشید و ما را به عنوان فرزندان محبوب خویش در مسیح خواهد پذیرفت.

حال که ما تبدیل بر مبنای کار روح القدس در نوزایی جانها و الزامان به گناه را بررسی کردیم، بیایید به کار او در مبرا شمردن یا عادل شمردگی خود نگاه کنیم.

تبری

در الاهیات پروتستان، منظور از اصطلاح فنی «مبرا شمردگی» یا «بی‌گناه‌شمردگی» این است: خدا به لحاظ قانونی اعلام می‌کند که گناهکار از جرم گناهش تبرئه شده و بی‌گناهی مسیح به حساب او گذاشته شده است. اصطلاح «مبرا شمردگی» یا «بی‌گناه‌شمردگی»، فعل «تبری»، و همچنین کلمات «برائت» یا در ترجمه قدیم کتاب مقدس، «عادل» و «عدالت»، الفاظ هم‌خانواده‌ای هستند که از فعل یونانی دیکایو (dikaiō) مشتق می‌شوند. در سراسر عهد جدید، این کلمات به طور مرتب به عمل خدا در بخشش گناهکاران و اعلام تبرئه آنها در نظر خدا اشاره می‌کنند. ما این مورد را در رومیان ۳: ۳۰، ۴: ۵، ۵: ۱، ۹: ۱ و اول قرنتیان ۶: ۱۱ و غلاطیان ۳: ۸ و ۱۱ و بسیاری از قسمت‌های دیگر می‌بینیم.

علاوه بر این، عهد جدید همواره تعلیم می‌دهد که گناهکاران به وسیله ایمان بر اساس قربانی کفاره مسیح به جای ما، تبرئه یا بی‌گناه اعلام شدند. تنها به عنوان یک مثال، پولس در رومیان ۳: ۲۲-۲۴ نوشت:

فقط از راه ایمان به عیسی مسیح همه ایمانداران را نیک می‌شمارد... اما با فیض خدا، همه به وساطت عیسی مسیح که آنان را آزاد می‌سازد، به طور رایگان، نیک محسوب می‌شوند (رومیان ۳: ۲۲-۲۴).

در الاهیات منتظم، ما مبرا شمردگی را در قالب کار مسیح تعبیر می‌کنیم. در هر صورت، هیچوقت نباید فراموش کرد که مبنای قانونی بخشش ما، مرگ مسیح است که با آن ما را باز خرید کرد. و در ضمن، قیام اوست که جایگاه تبرئه و زندگی جدیدی را برای ما فراهم می‌کند که بعد از بخششمان در آن سهیم هستیم. اما روح القدس نیز نقش مهمی را در مبرا شمردگی ما ایفا می‌کند. کار مسیح تاریخی بود - یعنی یک بار برای همیشه. اما گناهکاران در تمام طول تاریخ - قبل از مسیح، طی دوران مسیح، و بعد از ایام مسیح - نیازمند مبرا شمردگی بودند. و این کار

روح القدس است که با اعمال برکات مبراگر کار مسیح در زندگی ایمانداران، در هر دوره زمانی، این مشکل را حل می‌کند.

گوش کنید پولس در اول قرنتیان ۶: ۱۱ چه می‌گوید:

عادل کرده شده‌اید به نام عیسای خداوند و به روح خدای ما (اول قرنتیان ۶: ۱۱).

پولس تصدیق می‌کند که ما در نام عیسی مبرا یا در این ترجمه «عادل» شمرده شده‌ایم، به این معنی که بر اساس اقتدار و کار نجات‌بخش عیسی، ما بی‌گناه اعلام شده‌ایم. اما پولس این مورد را نیز اضافه می‌کند که ما در روح و یا با روح مبرا شمرده می‌شویم، زیرا روح القدس است که مبرا شمردگی را بر ما اعمال می‌کند. در رومیان ۱۴: ۱۷ مورد مشابهی را می‌بینیم. آنجا پولس گفت:

ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس (رومیان ۱۴: ۱۷).

اساس بی‌گناهی و یا مبرا شمردگی ما، کفاره مسیح به جای ما است. اما ما آن را در روح القدس تجربه می‌کنیم زیرا روح، آن شخص قدوسی است که آن را بر ما اعمال می‌کند. پولس در رساله خود به تیتوس، کار روح القدس را در اعمال مبرا شمردگی با نوزایی ما مرتبط می‌کند. او گفت که اساس مبرا شمردگی ما بی‌گناهی مسیح بوده است، و نه بی‌گناهی ما. پولس نشان داد که روح القدس همزمان با نوزایی ما، بی‌گناهی مسیح را بر ما اعمال می‌کند و این بخشی از کار او در تبدیل ما است. این ایده در تیتوس ۳: ۵-۷ دیده می‌شود. پولس نوشت:

نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح القدس است؛ که او را به ما به دولت‌مندی افاضه نمود، به توسط نجات دهنده ما عیسی مسیح، تا به فیض او عادل شمرده شده، وارث گردیم بحسب امید حیات جاودانی (تیتوس ۳: ۵-۷).

پولس ابتدا گفت که ما «توسط روح القدس... نجات یافته‌ایم.» بنابراین، زمانی که او صحبت از مبرا شمردگی ما می‌کند، منظورش این است که کار نجات‌بخش روح، شامل مبرا شمردگی ما نیز بوده است. الاهی‌دانان اغلب مبرا شمردگی را بر حسب عوامل مثبت و منفی آن توصیف می‌کنند. از جنبه منفی، با بخشش گناهان‌مان، مبرا شمردگی، خطایای ما را از میان می‌برد، به طوری که دیگر تحت محکومیت خدا نیستیم.

همانطور که قبلا در اول قرن‌تین ۶: ۱۱ و تیتوس ۳: ۵ دیدیم، روح القدس فعالانه در بخشش گناهان ما دخیل است. هر دو آیه مذکور از روح صحبت می‌کنند که ما را «می‌شوید» تا ما را از گناه پاک کند. و از جنبه مثبت، مبرا شمردگی ما را در نظر خدا تبرئه شده یا بی‌گناه اعلام می‌کند به طوری که از حق و حقوق میراثی ابدی برخورداریم که تمام مزایا و برکات مربوط به خود را به همراه دارد. به آنچه که پولس در افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ نوشت، گوش کنیم:

در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مَهر شدید، که بیعانه میراث ماست برای تضمین رهایی آنان که از آن خدایند (افسسیان ۱: ۱۳-۱۴).

میراثی که پولس در ذهن دارد تمام برکات نجات را شامل می‌شود. او بسیاری از این برکات را در افسسیان ۱: ۴-۱۲ فهرست‌وار ذکر کرده است. در این آیات، او به مواردی مانند تقدس، فرزند خواندگی، رستگاری، بخشش گناهان، دولت فیض خدا، و تحقق هر آنچه که در آسمان و زمین است در شخص مسیح، اشاره کرده است. هر یک از این برکات قسمتی از میراث ما در مسیح است. و روح القدس تضمین کرده است که تک تک آنها به حساب ما گذاشته شده است.

تا به اینجا با بررسی کار روح القدس در نوزایی، الزام، و مبرا شمردگی‌مان، امر تبدیل را بررسی کردیم. حال توجه خود را به اولین جنبه‌های کار تقدیس روح القدس معطوف می‌کنیم.

تقدیس

به معنای ساده، تقدیس عبارت است از «عمل مقدس ساختن انسان‌ها و اشیا». روح القدس با کار تقدیس‌کنندگی خود، انسان‌ها و یا اشیا را برای استفاده خاص خدا جدا کرده و کنار می‌نهد، آنها را تطهیر می‌کند، و به آنها لیاقت عطا می‌کند تا توانایی قرارگیری در برابر جلال آشکار شده خدا را داشته باشند.

وقتی کتاب مقدس خدا را قدوس می‌نامد، در واقع به دنبال مفهومی است که اساسا دلالت بر تمایز و جدا بودن خدا می‌کند. بنابراین، قدوسیت خدا بر این حقیقت تاکید می‌کند که خدا قدوس است و تمامی صفات و ویژگی‌هایی که به خدا نسبت می‌دهیم از انسان‌ها و از جاندارانی که او آفریده است متمایز هستند. و در همین راستا، وقتی درباره تقدس اشخاص صحبت می‌کنیم، افرادی را در نظر داریم که از گناه جدا شده‌اند تا بیشتر شبیه خدایی شوند که خواستار خدمت به او هستند.

دکتر سایمون ویبرت

کتاب مقدس کلمه «تقدیس» را به روش‌های مختلف به کار می‌گیرد. و متقابلاً، الاهی‌دانان انواع و یا جنبه‌های گوناگون تقدیس را مشخص کرده‌اند. نوع تقدیسی که روح القدس در زمان تبدیل‌مان بر ما اعمال می‌کند، گاهی «تقدیس قطعی» خوانده می‌شود زیرا رخدادی است که فقط یک بار صورت می‌گیرد و روندی مداوم به حساب نمی‌آید. در زمان تبدیل، روح القدس ما را جدا کرده و با متحد کردن ما با مسیح ما را پاک می‌کند. و چون عیسی خودش کاملاً قدوس است – یعنی به طور کامل پاک و بدون گناه، ما نیز مقدس می‌شویم. به آنچه که خداوندمان در یوحنا ۱۷: ۱۹ گفت، گوش کنید:

من خویشتن را به خاطر ایشان تقدیس می‌کنم، تا ایشان نیز به حقیقت تقدیس شوند (یوحنا ۱۷: ۱۹).

تقدس عیسی برای تقدیس ما ضروری است زیرا که تقدیس ما از قدوسیت او سرچشمه می‌گیرد. و در اول قرن‌تین ۱: ۳۰ پولس نوشت:

مسیح عیسی... برای ما... قدوسیت [شده است] (اول قرن‌تین ۱: ۳۰).

در عهد جدید، آیات متعدد دیگری نیز از جمله اول قرن‌تین ۶: ۱۱ و عبرانیان ۱۰: ۱۰ به این موضوع پرداخته‌اند. به واسطه تقدیس قطعی، خداوند ما عیسی، در زندگی امروز منشأ حیات و اقتدار روحانی ما، و بعدها، در روز عمومی رستاخیز، مبدأ حیات جسمانی ما می‌شود. این موضوع به شیوه‌های مختلف در کتاب مقدس بیان شده است. برای مثال، در یوحنا ۱۵: ۱-۵ عیسی خود را به تاک و ایمانداران را به شاخه‌های آن تاک تشبیه می‌کند. نکته‌ای که عیسی مد نظر داشت این بود که اتحاد روحانی ما با او سبب می‌گردد تا حیات او در ما جاری شود. پولس در اول قرن‌تین ۶: ۱۵-۱۷ گفت که بدن‌های ما اعضای خود مسیح هستند، و همچنین ما با او در روح یکی هستیم. ایده‌های مشابه این مورد را در استعاره بدن انسان، که پولس در قسمت‌هایی مانند افسسیان ۴: ۱۵-۱۶ مطرح کرده است می‌بینیم، یعنی جایی که او می‌گوید که مسیح سر و ایمانداران بدن او هستند.

این جنبه‌های اندام‌وار تقدیس، باعث تغییر رفتار، اندیشه، احساس، خواسته‌ها، و علائق ما شده، ما را در حیاتی جدید، آزادی‌نو، و توانایی‌های جدیدی سهیم می‌کنند. برای نمونه، آنها ما را از استبداد گناه آزاد می‌کنند و به ما توانایی می‌دهند تا در برابر گناهی که همیشه بی‌ایمانان را مغلوب می‌کند، ایستادگی کنیم.

در رومیان باب‌های ۶ تا ۸، پولس به طور مفصل درباره زندگی جدیدی صحبت می‌کند که به هنگام ایمان، به ما داده می‌شود. او می‌گوید که ما نسبت به گناه و سلطه آن می‌میریم. و در نتیجه، توانایی لازم برای مقاومت در برابر گناه و اطاعت از خدا را کسب می‌کنیم. گوش کنید در رومیان ۷: ۵-۶ پولس چطور این تغییر را توضیح می‌دهد:

زمانی که در سیطره نفس به سر می‌بردیم، امیالی گناه‌آلود که شریعت آنها را برمی‌انگیخت، در اعضای ما عمل می‌کرد تا برای مرگ ثمر آوریم. اما اکنون با مردن نسبت به آنچه در قید آن بودیم، از شریعت آزاد شده‌ایم تا از راه نوین روح خدمت کنیم، نه از راه کهنه آنچه نوشته‌ای بیش نیست (رومیان ۷: ۵-۶).

و در رومیان ۸: ۹ پولس اضافه کرد:

اما شما نه در حاکمیت نفس، بلکه در حاکمیت روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد (رومیان ۸: ۹).

در تقدیس قطعی، روح القدس ما را به روشی بازسازی می‌کند که گناه نتواند بر ما چیره شود. بنابراین، ما آزادیم که بیشتر و بیشتر شبیه مسیح شویم.

همه ما کسانی را می‌شناسیم که می‌توانستند از شروعی جدید نفع ببرند. گاهی نتوانسته‌ایم رابطه‌ای را به درستی حفظ کنیم. یا در محل کار، اشتباهات بزرگی از ما سر زده است. یا حتی ممکن است به مشکلات قانونی برخورد کرده باشیم. می‌توان وضعیتی مشابه را در مورد رابطه بی‌ایمانان با خدا مشاهده کرد. در حالی وارد این دنیا می‌شویم که گناه ما را فاسد کرده و از سوی خدا محکوم شده‌ایم. اما واقعه تبدیل، شروعی جدید در اختیارمان می‌گذارد. چه لحظه فوق‌العاده‌ای است آن لحظه‌ای که روح القدس حیاتی نو، درهم‌شکستگی جدیدی نسبت به گناه‌مان، مقامی تازه در حضور خدا، و قلبی نو برای اطاعت شادمانه از او به ما می‌بخشد. وظیفه هر ایماندار این است که خدا را برای این شروع جدید شکر کرده، و به روشی زندگی کند که هماهنگ با حیات نو و خواندگی‌ای باشد که به او بخشیده شده است.

پس از بررسی کار روح القدس در تبدیل‌مان، اجازه دهید به نقشی پردازیم که او در سراسر زندگی مسیحی انفرادی ما ایفا می‌کند.

زندگی مسیحی

همانطور که مشاهده کردیم، چندین جنبه از کار روح القدس در ایمانداران وجود دارد که فقط در ابتدای ایمان مان، در ما انجام می‌دهد. و البته، هرگز نیازی به تکرارشان نیست. فقط یک بار کافی است تا او نوزایی روح ما را انجام دهد. اگرچه او به طور دائم ایمانداران را نسبت به گناه ملزم می‌کند، اما فقط در لحظه تبدیل مان است که او این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که ما را به پذیرش مسیح به عنوان نجات‌دهنده سوق بدهد. او مبرا شمردگی ما را تنها یک بار بر ما اعمال می‌کند، و بعد از اینکه تبرئه شدیم، هرگز مبرا شمردگی خود را از دست نمی‌دهیم. و همین اصل را می‌توان درباره زندگی جدیدمان در تقدیس قطعی بیان کرد. ولی بسیاری از جنبه‌های دیگر کار روح در سراسر زندگی ایمانی ما، همچنان ادامه می‌یابد.

در این درس، چهار جنبه مداوم نجات و یا زندگی مسیحی خود را که بر روح القدس اتکا دارند، مطرح خواهیم کرد. ابتدا به سکونت روح القدس در خود خواهیم پرداخت. دوم، از جنبه‌های مستمر عمل تقدیس‌کنندگی او صحبت خواهیم کرد. سوم، کار او را به واسطه شفاعت‌هایی که به جای ما می‌کند خواهیم دید. و چهارم، خواهیم دید که چگونه ما را حفظ می‌کند تا نجات نهایی ما را تضمین کند. اجازه دهید ابتدا به حضور و سکونت مستمر او در خود بپردازیم.

سکونت

سکونت روح القدس در ایماندار را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «حضور مخصوص او درون ایماندار، و اتحاد روحانی او با ایماندار». روح القدس به عنوان خدا، در همه جا حاضر است – او به طور همزمان در همه جای آفرینش وجود دارد. اما حضورش را به یک طریق واحد در تمام مکان‌ها و زمان‌ها نمایان نمی‌کند. و سکونت دائمی روح در ایمانداران، از شخصی‌ترین، صمیمی‌ترین و قدرتمندترین شیوه‌هایی است که او حضور خود را آشکار می‌کند. یکی از شگفت‌انگیزترین حقایق در مورد نجات این است که خدا خودش درون ما زندگی می‌کند. هنگامی که روح ما را در تبدیل مان تقدیس می‌کند، ما تبدیل به ظرف‌های شایسته‌ای برای حضور او می‌شویم. از آنجا که او ما را بسیار دوست دارد، و به دلیل اینکه برای سعادت ما مصمم به نفوذ در قلب و فکر ما است، درون ما زندگی می‌کند و هرگز ما را ترک نمی‌کند.

زمانی که روح القدس ما را از نو خلق می‌کند، اینطور نیست که فقط روح مان را ترمیم، و سپس ما را به حال خودمان رها کند. بلکه او درون ما سکونت می‌گزیند. این مورد را در قسمت‌هایی مانند اول قرنتیان ۶: ۱۹ و دوم تیموتائوس ۱: ۱۴ و یعقوب ۴: ۵ می‌بینیم. و در واقع، این سکونت دائمی روح القدس در ما است که روح ما را زنده می‌کند. به آنچه که پولس در رومیان ۸: ۹-۱۱ گفت، گوش کنید:

اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست. اما اگر مسیح در شماست، هر چند بدن شما به علت گناه مُرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است. و اگر روح او که عیسی را از مُردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مُردگان برخیزانید، حتی به بدن‌های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطهٔ روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است (رومیان ۸: ۹-۱۱).

در اینجا پولس نشان داد که مسیح از طریق روح قدوس خود در ما سکونت همیشگی دارد. این سکونت دائمی روح در ما است که امروز حیات روحانی، و در آینده رستاخیز جسمانی را به ما عطا می‌کند. کتاب مقدس همچنین دربارهٔ یکی از خدمات روح القدس صحبت می‌کند که ارتباط نزدیکی با سکونت دائمی او دارد، و عهد جدید آن را پُری روح القدس می‌نامد. شاخه‌های مختلف کلیسا تعبیرهای گوناگونی از پُری روح القدس دارند. ولی ما همگی می‌توانیم حداقل در دو چیز به توافق برسیم. اول اینکه، روح القدس همیشه در ایمانداران حقیقی سکونت دارد. و دوم اینکه، پُری او، یا میزان تاثیر او در زندگی ما متفاوت است. هر از گاهی او ما را پُر می‌کند و نفوذ او بر ما قدرتمندتر از دیگر اوقات است. به همین دلیل است که کتاب مقدس هرگز به ما دستور نمی‌دهد تا مَسْکَن روح خدا شویم، اما به طور یقین فرمان می‌دهد تا از روح القدس پُر شویم. همانطور که پولس رسول در افسسیان ۵: ۱۸ می‌گوید:

مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پُر شوید (افسسیان ۵: ۱۸).

زمانی که روح القدس ما را پُر می‌کند، اثری عظیم و گاهی غافلگیرکننده در ما به جا می‌گذارد. قلب ما با شادی، شکرگزاری و محبت نسبت به برادران و خواهران مسیحی خود لبریز می‌شود. یا همانطور که پولس در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ تشریح می‌کند، ثمرهٔ روح را در ابعادی عظیم مشاهده می‌کنیم. به وسیلهٔ پُری و سکونت روح القدس، ایمانداران قدرت می‌یابند تا کارهای مورد تایید خدا را انجام دهند، درست همانطور که پولس در رومیان ۸: ۵-۹ تعلیم می‌دهد. در ضمن، ما قادر می‌شویم تا به طور صحیح پرستش کنیم، با تسلیم واقعی به خدا نزدیک شویم، و با صداقت و راستی از او درخواست کنیم. همانگونه که عیسی در یوحنا ۴: ۲۴ می‌گوید:

خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی پرستند (یوحنا ۴: ۲۴).

در این مورد پولس نیز در فیلیپیان ۳: ۳ می گوید:

در روح خدا عبادت می کنیم (فیلیپیان ۳: ۳).

بی ایمانان به طور یقین قادرند خدا را در ظاهر پرستش کنند. آنها می توانند دعا کنند، هدایا تقدیم کنند، سرود بخوانند، موعظه کنند و تعلیم دهند. ولی آنها نمی توانند این کارها را طوری انجام دهند که برای خدا قابل قبول باشد. ریاکاری، گناه و مرگ روحانی آنها مانع از این است که پرستش شان بتواند خدا را خشنود کند. ولی ایمانداران، به خاطر سکونت روح القدس در خود، قادرند به کمک هدایت و برانگیختگی روح، به خدا نزدیک شوند، و این تقرب طوری است که آنان می توانند سه شخص تثلیث، و اعمال و صفات خدا را چنانکه باید و شاید پذیرفته و آنها را جلال دهند.

در اینجا باید اشاره کنیم که گاهی مسیحیان به اشتباه فکر می کنند که روح القدس تنها از دوره عهد جدید سکونت در ایمانداران را آغاز کرده است. ولی ایمانداران در عهد عتیق هم به طور قطع از نو زاده می شدند. و این مورد فقط در حالتی می تواند صحت داشته باشد که روح القدس در آنها نیز ساکن شده باشد. نشانه های بسیار دیگری نیز وجود دارد که بر سکونت روح القدس در ایمانداران عهد عتیق دلالت می کند. مواردی از جمله: آنها ایمان داشتند؛ کارهای مقبول خدا را انجام دادند؛ او را به درستی پرستش کردند؛ و ثمره روح القدس در زندگی آنها آشکار بود. بدون شک، بعضی از جنبه های خدمتی روح القدس در عهد جدید به صورت غنی تری دیده می شوند. اما سکونت در ایمانداران قسمتی از کار او در هر عصری بوده است.

علاوه بر این، حضور ساکن شونده روح القدس در ایمانداران، به آنها نسبت به مکاشفه خدا بصیرت عطا می کند. همانطور که پولس در اول قرنتیان ۲: ۱۲-۱۶ نوشت:

ما... روحی را یافته ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم... انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درک شان نیست... ولی ما فکر مسیح را داریم (اول قرنتیان ۲: ۱۲-۱۶).

در درس قبلی به این بحث پرداختیم که در رابطه با روح القدس، الاهدانان اغلب دو نوع بینش روحانی را مشخص کرده اند. اول، روشنگری است که یعنی:

معرفت یا درکی که یک هدیه الهی، و اساساً شناختی است.

و دوم، هدایت درونی است که یعنی:

معرفت یا درکی که یک هدیهٔ الهی، و اساساً احساسی یا حسی است.

در هر دو مورد، این سکونت روح است که به ما چنین بینشی از مکاشفهٔ الهی و اهداف او برای ما می‌بخشد.

روح القدس در زندگی ایمانداران به عنوان منبع، قدرت خدا، حکمت و یا «ذهن خدا»، و حضور خدا، البته به این دلیل که روح القدس خداست، به آنان عطا می‌شود... در باب‌های آخر انجیل یوحنا عیسی گفت که وقتی روح او بیاید، جهان را به گناه و عدالت ملزم، و رسولان و ایمانداران را به تمامی حقیقت هدایت خواهد کرد. بنابراین، روح در نقش همدم و همراه از جانب خدا در زندگی ما عمل می‌کند تا ما را هدایت کند. و به همین دلیل، در زندگی اوقاتی را تجربه کرده‌ایم که احساس کرده‌ایم انگار روح... یعنی خدا با ما صحبت می‌کند و از ما می‌خواهد این کار یا آن کار را انجام بدهیم یا ندهیم. و این مفهوم یک رابطهٔ واقعی است، یعنی رابطهٔ حقیقی فرد به فرد که خدا با شخص ایماندار برقرار می‌کند.

دکتر آلن هالتبرگ

حال که دربارهٔ حضور ساکن شوندهٔ روح در بستر زندگی مسیحی خود صحبت کردیم، اجازه دهید کار مداوم تقدیس‌کنندگی روح را توضیح دهیم.

تقدیس

همانطور که قبلاً گفتیم، تقدیس را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. تقدیس قطعی یکی از این جنبه‌ها است که به هنگام تبدیل دریافت می‌کنیم. اما جنبه یا نوع دیگری از تقدیس وجود دارد که به خاطر اهداف این درس، آن را «تقدیس مداوم» می‌نامیم. ما این نوع تقدیس را در خلال زندگی خود تجربه می‌کنیم، چون گناه مداوم ما پیوسته نیاز به بخشش و تطهیر دارد.

هر ایماندارى گناه مى‌کند. در واقع، ما هر روز مرتکب گناه مى‌شویم. اگر فکر مى‌کنید که گناهی انجام نمی‌دهید، پس درباره آنچه که خدا مى‌خواهد باور کنید، بگویید، انجام دهید، و حتی بشوید، به اندازه کافی تعمق نکرده‌اید. اما خبر خوش این است که هر زمان گناه مى‌کنیم، روح القدس آماده است تا ما را ببخشد، و از عواقبی که گناه به همراه مى‌آورد پاک کند. این بدان معنی نیست که ما دیگر گناه نخواهیم کرد، و یا اینکه از پیامدهای زمینی گناه خود خواهیم گریخت. بلکه بدان معناست که خدا همچنان به ما محبت مى‌کند، و کار نجات‌بخشی را که در زمان نوزایی در ما شروع کرده بود، همچنان ادامه مى‌دهد.

هنگامی که روح القدس ما را از نو خلق مى‌کند، فساد و آثار گناه را از زندگی ما به طور کامل پاک نمی‌کند. همانطور که پولس در رومیان ۷: ۱۴-۲۵ توضیح مى‌دهد، گناهی که هنوز در ما زندگی مى‌کند همچنان با روح القدس که در ما ساکن است مى‌جنگد. کتاب مقدس در قسمت‌هایی مانند رومیان ۷: ۲۳ و غلاطیان ۵: ۱۷ و اول پطرس ۲: ۱۱ برای توصیف این کشمکش از تمثیل جنگ استفاده مى‌کند. اما خبر خوب این است که روح القدس در ما سکونت دارد و مشغول کار است. بنابراین، حتی اگر تحت تاثیر گناه، مرتب لغزش بخوریم، اما تحت تاثیر روح القدس کارهای نیکو هم انجام مى‌دهیم. پولس در فیلیپیان ۲: ۱۳ گفت:

زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش مى‌سازد، در شما پدید مى‌آورد (فیلیپیان ۲: ۱۳).

در مسیر اطاعت، «چرا» و «چگونه» پرسش‌هایی هستند که پاسخ آنها را خدا در روح القدس برای ما فراهم کرده است. در پرسش «برای خشنود کردن خدا چه چیزی باید انجام دهیم؟» فرامین کتاب مقدس، یعنی هر دو عهد عتیق و عهد جدید، پاسخ «چه چیز» را مى‌دهند. ولی چالش ما با پرسش مربوط به «چرا؟» است؛ «چرا باید اطاعت کنم؟»، «چه چیز مى‌تواند مرا راغب به اطاعت از خدا کند؟» و پولس رسول مى‌گوید که این روح القدس است که مرا جذب مى‌کند تا در باب فیض تعمق کنم، مرا مى‌کشد تا مسیح را محبت کنم، و این روح القدس است که به من تمایل به اطاعت مى‌دهد. ولی حتی زمانی که «مایل باشم» طوری عمل کنم که خدا را خشنود کند، همچنان با این پرسش مواجه خواهیم شد: «چگونه مى‌توانم اینکار را انجام دهم؟» چون در خود ضعف مى‌بینم. در رومیان باب ۷ پولس به عمق این موضوع مى‌پردازد. او در مورد شخص ناامیدی صحبت مى‌کند که بر سر دو راهی قرار گرفته، کسی که باور دارد شریعت خدا راست و نیکو است. ولی چیز دیگری را در درون خود در حال عمل مى‌یابد که باعث یأس او مى‌شود... او نه مى‌تواند آن چیزی را انجام دهد که خدا او را برای انجامش خوانده است، و نه آنچه را که خود مایل است به جا آورد. پولس در رومیان باب ۸ پاسخ این پرسش را مى‌دهد: شریعت ضعیف بود چون تنها مى‌توانست فرمان دهد، ولی نمی‌توانست قلب‌ها را عوض کند. اما اکنون خدا، به وسیله روح القدس، ما را آزاد کرده تا به واسطه

مرگ مسیح و قدرت روح القدس که با او گام بر می‌داریم، توانایی اطاعت از خدا را داشته باشیم. الزامات عادلانه شریعت در ما به کمال رسیده است زیرا که نه بر حسب جسم - طبیعت انسانی و یاری‌نشده خود - بلکه در قوت روح گام بر می‌داریم. این همان نکته‌ای است که پولس در قالب عبارتی کوتاه در فیلیپیان باب ۲ خلاصه کرده است. او «با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد، در شما پدید می‌آورد.»

دکتر دنیس جانسون

تقدیس مداوم، فرایندی ناگسستنی است که طی آن روح القدس، هر زمان که گناه می‌کنیم، ما را بخشیده و پاک می‌کند، و ما را از گناه رویگردان کرده و به سمت عدالت سوق می‌دهد. و در حالت ایده‌آل، این فرایند باید ما را در سراسر مسیر زندگی مان بیشتر و بیشتر به اطاعت از خدا هدایت کند. کتاب مقدس در افسسیان ۴: ۱۳ و کولسیان ۴: ۱۲ و عبرانیان ۵: ۱۴ و بسیاری از قسمت‌های دیگر، این پیشرفت مادام‌العمر را «بلوغ» می‌نامد. برای مثال، در یعقوب ۱: ۴ می‌خوانیم:

اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید (یعقوب ۱: ۴).

تحت تاثیر روح القدس، این فرایند بلوغ نتایجی روحانی در زندگی ایمانداران تولید می‌کند. در سراسر کتاب مقدس، برای شرح این ثمرات، اغلب از استعاره «میوه» استفاده شده است. ما این موضوع را در انجیل متی ۳: ۸-۱۰ - آنجا که یحیای تعمید دهنده فریسیان و صدوقیان را سرزنش می‌کند - مشاهده می‌کنیم. ما این نکته را در تعلیم عیسی درباره اطاعت درست و نادرست در موعظه سر کوه در متی ۷: ۱۶-۲۰ می‌یابیم. در یوحنا ۱۵: ۱-۱۶ این مضمون، بخش اصلی تعالیم عیسی در مورد کارهای نیکو است. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، پولس در غلاطیان باب ۵ صحبت از ثمر خاصی کرد که روح در زندگی آنانی که در آنها ساکن است، ظاهر می‌کند. به آنچه که پولس در غلاطیان ۵: ۱۷-۲۵ نوشت، گوش کنید:

تمایلات نفسانی برخلاف روح القدس و آرزوهای روح القدس برخلاف طبیعت نفسانی است... اما ثمره‌ای که روح القدس به بار می‌آورد: محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری است... آنانی که متعلق به مسیح عیسی هستند، طبیعت نفسانی را با هوس‌ها و امیال آن مصلوب کرده‌اند. اگر روح خدا منشاء زندگی ماست، او هم باید هادی زندگی ما باشد (غلاطیان ۵: ۱۷-۲۵).

بحث پولس دربارهٔ ثمرهٔ روح در غلاطیان باب ۵ شبیه تعالیم او در باب‌های ۶ تا ۸ رومیان است. در هر دو مورد، پولس به مقایسهٔ تأثیرات مختلف روح و گناه بر خواسته‌های مان می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که سکونت روح القدس در ما، تنها راه اطاعت قلبی ما از خدا و نمایان شدن صفات نیکوکار و منش خدایپسندانه در ما است. گاهی اوقات، به اشتباه، مسیحیان ثمرهٔ روح را با عطایای روحانی یکسان فرض می‌کنند. همانطور که در درس قبلی دیدیم، روح القدس عطایای مختلفی را به ایمانداران در عهد جدید می‌بخشد. اما ثمرهٔ روح زندگی مطبوعی است که روح در تمامی ایمانداران تولید می‌کند. بنابراین، ثمرهٔ روح باید در زندگی همهٔ ما کم و بیش مشابه باشد. حال که به کار مداوم روح القدس در تقدیس ایمانداران پرداختیم، باید یادآور شویم که برخی از مکاتب الاهیاتی صحبت از فرایند «تقدیس پیش‌رونده» می‌کنند. این اصطلاح بیانگر این ایده است که ما روز به روز در تقدس پیش می‌رویم و در طول زندگی مسیحی خود بیشتر و بیشتر شبیه او می‌شویم. به طور یقین این موضوع صحت دارد که بلوغ روحانی مسیحیان «باید» پیشرفت کند، و اینکه باید ثمرات بیشتر و بیشتری به بار آوریم. ولی حتی ایمانداران واقعی هم ممکن است نتوانند اینطور رشد کنند. گوش کنید پطرس در کتاب دوم پطرس ۱: ۵-۹ چگونه این جنبه‌های تقدیس را شرح می‌دهد:

کمال سعی نموده، در ایمان خود فضیلت پیدا نمائید و در فضیلت، علم و در علم، عفت و در عفت، صبر و در صبر، دینداری و در دینداری، محبت برادران و در محبت برادران، محبت را. زیرا هرگاه اینها در شما یافت شود و بیفزاید، شما را نمی‌گذارد که در معرفت خداوند ما عیسای مسیح کاهل یا بی‌ثمر بوده باشید. زیرا هر که اینها را ندارد... تطیهر گناهان گذشتهٔ خود را فراموش کرده است (دوم پطرس ۱: ۵-۹).

فهرست پطرس از ویژگی‌هایی که ایماندار به واسطهٔ تقدیس کسب می‌کند، شباهت بسیاری به فهرست پولس از ثمرهٔ روح دارد. پطرس گفت که این ویژگی‌ها باید در زندگی ما افزایش یابند. به عبارت دیگر، آنها «باید» حالت پیش‌رونده داشته باشند. اما پطرس این مورد را نیز می‌پذیرد که حتی ایمانداران نیز ممکن است به دلیل خطاهای شان فاقد این ثمرات باشند.

کتاب مقدس به ما می‌گوید این روح القدس است که اراده و عمل را بر حسب رضامندی خود در ما پدید می‌آورد، ولی در عین حال، در آیات بسیاری نیز به ما فرمان داده شده که خود ما نیز باید در این راستا تلاش کنیم. به ما دستور داده شده تا در روند تقدیس خود پشتکار به خرج بدهیم. بنابراین، آنچه که می‌توانیم ببینیم این است که روح القدس در ما اراده و نیز توانایی انجام آنچه را که خدا می‌خواهد، پدید آورده است. با این وجود، ایماندار باید عکس‌العمل

صحيح نشان دهد، کوشا باشد، از واسطه‌های فیض استفاده کند، در سایه فیض همواره هوشیار و مراقب بوده، در مقابل وسوسه ایستادگی کند تا بتواند در فیض خداوند رشد کند.

دکتر دیوید کوریا

در مورد نقشی که روح القدس در زندگی مسیحیان ایفا می‌کند تا اینجا به دو موضوع پرداختیم: حضور ساکن شونده و عمل تقدیس مداوم او در ما. حال اجازه دهید به اختصار به شفاعت او برای ما اشاره کنیم.

شفاعت

شفاعت عبارت است از کار روح القدس در «درخواست از پدر از جانب ایمانداران». این شبیه کاری است که انسان‌ها انجام می‌دهند؛ زمانی که بخواهند از شخصی که مورد تهدید قرار گرفته یا صدمه دیده دفاع کنند، یا از کسی بخواهند که به شخص ثالثی کمک کند، یا برای شفا، بخشش، و یا برکت شخص دیگری دعا کنند. به توضیح پولس از شفاعت روح در رومیان ۸: ۲۶-۲۷ گوش کنید:

روح نیز در ضعف ما به یاری‌مان می‌آید، زیرا نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما روح با ناله‌هایی بیان‌ناشدنی، برای ما شفاعت می‌کند. و او که کاوشگر دل‌هاست، فکر روح را می‌داند، زیرا روح مطابق با اراده خدا برای مقدسین شفاعت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

گاهی که کتاب مقدس صحبت از آگاهی خدا از قلب‌مان می‌کند، تهدید به داوری را به همراه دارد. نمونه این مورد را می‌توان در آیاتی مانند ارمیا ۴: ۱۴ و اول قرنتیان ۴: ۵ و عبرانیان ۴: ۱۲ مشاهده کرد. اما در رابطه با «ایمانداران»، مسیح محکومیت ما را از میان برداشته است. بنابراین، زمانی که روح قلب ما را کاوش می‌کند، همیشه به نفع ما است. او نیازهایی را که ما نمی‌توانیم ابراز کنیم می‌بیند و به جای ما آنها را بیان می‌کند. او گناهی را که ما حتی تشخیص هم نمی‌دهیم، می‌بیند، و از طرف ما طلب بخشش می‌کند. او دقیقاً آنگونه که ما باید برای خود دعا کنیم ولی نمی‌کنیم، برای ما دعا می‌کند. و این شفاعت همیشه موفق است. چرا؟ زیرا، همانطور که پولس می‌گوید، روح همیشه بر طبق اراده خدا شفاعت می‌کند. و باید اضافه کرد که پدر همیشه دعاهای روح را محترم می‌شمارد، چون روح، خودش خداست.

البته، این بدان معنا نیست که زندگی ما خالی از گناه، درد، و سختی است. در واقع، روح به خوبی می‌داند که پدر به چه علت این چیزها را در برنامه زندگی ما گنجانده است، و بنابراین، برای ابطال آنها شفاعت نمی‌کند. اما بر طبق توضیحات پولس در آیات بعدی در رومیان ۳: ۲۸-۳۰، روح این را نیز می‌داند که خدا تمام بدی‌ها را در زندگی ما برای خیریت ما به کار می‌گیرد. او از آنها برای تکمیل تقدیس‌مان و رساندن ما به میراثی شگفت‌انگیز و ابدی در مسیح استفاده می‌کند.

دعا یک چیز بسیار عالی است. خدای قادر مطلق، خالق جهان، کامل و قدوس، به ما گوش می‌دهد، و حتی با مداخله در زندگی ما، به ما پاسخ می‌دهد. او این کار را به این دلیل انجام نمی‌دهد که مجبور است، بلکه به این علت که خود مایل است. او دوست دارد دعاها و شکرگزاری‌های ما را بشنود. هر بار که به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، او سخاوتمندانه ما را می‌بخشد. او به درخواست‌های ما با علاقه و حکمت پاسخ می‌دهد. ولی هر ایماندار ایامی را در زندگی خود تجربه کرده است که ذهن و قلب او به قدری پُر بوده که نتوانسته است دل خود را در دعا به حضور خدا بریزد. در زندگی هر ایماندار مواقعی وجود دارد که ذهن و قلب او به قدری سرسختی نشان می‌دهد که او حاضر نیست آنگونه که باید، دعا کند. و در زندگی ایمانداران لحظاتی بوده که غفلت آنان از خدای فوق از درک‌شان و جهالت آنان نسبت به راه‌های درک‌ناپذیر او، آنها را از نزدیکی شایسته به او باز داشته است. بنابراین، آیا آگاهی از این مطلب تسلی‌بخش نخواهد بود که، چه ما در بهترین وضعیت روحانی خود باشیم و چه در بدترین آن، خود روح‌القدس از جانب ما دعا می‌کند؟

تا اینجا، زندگی مسیحی را با نگاهی به حضور ساکن شونده روح‌القدس، کار او در تقدیس مداوم، و شفاعت او برای خود، بررسی کردیم. حال بیایید توجه خود را به کار او در حفاظت از ایمانداران برای نجات نهایی ایشان معطوف کنیم.

حفاظت

حفاظت «عمل مداوم و فیض‌بخش روح‌القدس برای حصول اطمینان از این است که ایمانداران تا تکمیل نجات‌شان در ایمان خود ثابت قدم باقی بمانند.» کار حفاظت روح‌القدس از حضور ساکن شونده او سرچشمه می‌گیرد، با این هدف که در ایمان به خدا از صمیم قلب امین باقی بمانیم. این بدان معنا نیست که ما هرگز شک یا گناه نمی‌کنیم. بلکه به این مفهوم است که چون روح، ایمان نجات‌بخش را درون ما حفظ می‌کند، نجات ما تضمین شده است. بیایید به آنچه که پولس در رومیان ۸: ۱۱-۱۴ گفت، گوش کنیم:

اگر روح او که عیسی را از مُردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مُردگان برخیزانید، حتی به بدن‌های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است... اگر به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست. زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند (رومیان ۸: ۱۱-۱۴).

پولس تعلیم می‌دهد که اگر روح القدس ما را از نو خلق کرده و درون ما ساکن شده است، در این صورت ما را هدایت نیز خواهد کرد. و اگر او ما را هدایت می‌کند، پس همواره پسران خدا هستیم، و او در نهایت جسم ما را در جلال خواهد برخیزانید.

زمانی که به مسیح ایمان می‌آوریم، نجات‌مان برای همیشه تضمین شده است. دلیلش این نیست که فارغ از هر آنچه انجام دهیم خدا وعده نجات ما را داده است. بلکه دلیلش این است که روح القدس ما را حفظ می‌کند. او تضمین می‌کند که ایمانداران حقیقی با جدیت در ایمان باقی بمانند و هرگز مسیح را به طور کامل و برای همیشه ترک نکنند. همانطور که پولس در فیلیپیان ۱: ۶ نوشت:

او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید (فیلیپیان ۱: ۶).

می‌دانیم که از لحظه تبدیل‌مان، روح نجات ما را در ما آغاز کرده است. بنابراین، مطمئنیم که تا زمان بازگشت مسیح و جلال یافتن ما در او، روح به اعمال نجات در ما ادامه خواهد داد. آیاتی مانند غلاطیان ۳: ۱-۵ و اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴ و اول پطرس ۱: ۳-۵ همین ایده را بیان می‌کنند.

«پایداری مقدسین» یکی از بزرگ‌ترین حقایق نجات است. البته، اسپرجن دوست داشت از آن با عنوان «پایداری مُنجی» یاد کند. او بر این باور بود که مُنجی به جای ما پایداری و استقامت کرد، و چون ما در او هستیم، در وی در امنیت هستیم. من به هیچوجه با این عقیده مخالف نیستم. با این حال، وجهی فاعلی برای مفهوم پایداری وجود دارد که طبق آن روح خدا وارد عمل می‌شود و آنچه را که پیوریتن‌ها «اسباب عملی» می‌نامیدند، به کار می‌بندد تا تضمین کند که ما در بُعد تجربه فردی خود پایداری و استقامت خواهیم کرد. چگونه این کار را انجام می‌دهد؟... او این کار را همواره به شیوه‌ای با محبت، ظریف، آرام، و با استفاده از کلام خدا برای هدایت ما انجام می‌دهد. به این دلیل است که در سنت اصلاحات، از «کلام و روح» صحبت می‌شود که همواره با یک هماهنگی زیبا عمل می‌کنند تا ما را به آن هدف نهایی که خدا برای نجات‌مان در نظر گرفته است برسانند.

دکتر دنی آکین

یک شیوه بسیار معمول دیگر کتاب مقدس برای اشاره به کار حفاظت روح القدس، استفاده از عبارت مُهر قانونی است. در جهان باستان، مُهر اغلب انگشتر یا وسیله‌ای بود که می‌توانست به درون گِل مرطوب یا موم یا حتی فلز نرم فشار داده شود تا اثری از خود به جا بگذارد. این اثر در نقش یک امضا عمل می‌کرد طوری که اصالت و اعتبار سند یا چیزی را که بر روی آن فشرده شده بود، تایید می‌کرد. برای مثال، در متی ۲۷: ۶۶ زمانی که رومیان عیسی را دفن کردند، روی سنگ قبر او مُهر زدند تا هیچکس نتواند به پیکر عیسی که درون قبر بود دسترسی پیدا کند.

روح القدس به عنوان مُهر مالکیت خدا عمل می‌کند و نشان می‌دهد آنانی که روح را دارند، به راستی به خدا متعلق هستند و هیچکس نمی‌تواند آنها را از خدا جدا کند. از برخی جهات، این کار به رسوم مربوط به غلامان در جهان باستان شباهت دارد. برای نمونه، در خروج ۶: ۲۱ سوراخ کردن گوش یک غلام نشانه‌ای است از اینکه او مادام‌العمر غلام باقی می‌ماند. به همین صورت، روح القدس ایمانداران را با مُهر مالکیت خدا نشانه‌گذاری می‌کند. پولس در دوم قرنتیان ۱: ۲۲ گفت:

خدا مُهر مالکیت خود را بر ما گذاشت و روح القدس را به عنوان ضامن همهٔ برکات آینده در دل‌های ما نهاد (دوم قرنتیان ۱: ۲۲).

زمانی که خدا ما را با روح القدس مُهر می‌کند، او ما را فقط به عنوان مایملک خود نشانه‌گذاری نمی‌کند. او همچنین «تضمین» می‌کند که آن نجاتی را که تجربهٔ آن را شروع کرده‌ایم، سرانجام در تمامی پُری‌اش دریافت خواهیم کرد. و بر خلاف مُهرها و نشان‌های غلامان در جهان باستان، مُهر خدا ما را به عنوان غلام نشانه‌گذاری نمی‌کند؛ بلکه ما را فرزند و وارث اعلام می‌کند. گوش کنید پولس در افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ چطور این ایده‌ها را ادغام کرد:

در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مُهر شدید، که بیعانهٔ میراث ماست برای تضمین رهایی آنان که از آن خدایند (افسسیان ۱: ۱۳-۱۴).

زمانی که روح القدس را دریافت می‌کنیم، صاحب وعدهٔ خدا می‌شویم که نه فقط تکمیل نجات‌مان در آینده، بلکه «میراث» ما را نیز تضمین می‌کند. میراث چیزی نیست که غلام از ارباب خود دریافت کند. میراث چیزی است که یک فرزند از پدرش دریافت می‌کند.

و آن میراث، نجات نهایی ما خواهد بود - یعنی «جلال» یافتن ما، که روح القدس به هنگام بازگشت عیسی شامل حال ما خواهد ساخت. جلال یافتن شامل رستاخیز بدن‌های ما در فسادناپذیری و نامیرایی است. همانطور که دیدیم، پولس در رومیان ۸: ۱۱-۱۴ در مورد این موضوع صحبت کرد. اما در سراسر باب ۱۵ رساله اول خود به قرن‌تیان او به جزئیات بیشتری در این خصوص پرداخت. برای مثال، در آیات ۳۷ تا ۴۴ او بدن‌های فعلی ما را به دانه تشبیه می‌کند. به همین ترتیب، او بدن‌های قیام کرده ما را به گیاهانی تشبیه می‌کند که از آن دانه‌ها می‌رویند. به آنچه که پولس در اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۲-۴۴ گفت، گوش کنید:

آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر. در ذلت کاشته می‌شود، در جلال بر می‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قوت بر می‌خیزد. بدن طبیعی کاشته می‌شود، بدن روحانی بر می‌خیزد. اگر بدن طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود دارد (اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۲-۴۴).

روح القدس بدن‌های توانا و جلال‌یافته‌ای را برای ما به وجود خواهد آورد که در ابعاد اخلاقی و جسمی کامل هستند. آنها قابلیت ننگ و گناه را نخواهند داشت، و بیماری و مرگ بر آنها بی‌اثر خواهند بود. در حقیقت، همانطور که پولس در اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۸-۴۹ در ادامه تعلیم خود گفت، بدن‌های قیام کرده ما درست مانند بدن جلال‌یافته‌ای که عیسی پس از برخاستن از مردگان داشت، خواهند بود. این مورد را پولس در دوم قرن‌تیان ۳: ۱۸ اینطور بیان کرد:

و همه ما که با چهره بی‌نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه‌ای، می‌نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزونتر دگرگون می‌شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است (دوم قرن‌تیان ۳: ۱۸).

جلال یافتن ما مرحله نهایی ما خواهد بود، یعنی زمانی که جسم و جان ما از حضور، نفوذ و اثرات گناه کاملاً آزاد می‌شوند، و سرانجام وارد برکات پُر جلال آسمان‌های جدید و زمین جدید می‌شویم. کار حفاظت روح القدس و استقامتی که در زندگی ما پدید می‌آورد، باید اعتماد و آرامش عظیمی به ما ببخشد. روح خدا درون ما زندگی می‌کند و تضمین می‌دهد نجاتی که از آن بهره‌مند شده‌ایم بی‌پایان و ابدی خواهد بود. و او سرانجام برکات عظیم‌تری به ما خواهد بخشید، برکاتی که شامل آزادی کامل ما از حضور و اثرات گناه، و رستاخیز نهایی ما در جلال هستند. اگر انجیل را حقیقتاً باور کنیم، هرگز نباید از اینکه ممکن است نجات‌مان را از دست دهیم، واهمه داشته باشیم. به جای آن، می‌توانیم - و «باید» - به این وعده اعتماد کنیم که روح، کاری را که شروع کرده است با امانت به کمال خواهد رسانید.

نتیجه‌گیری

در درس‌مان دربارهٔ روح‌القدس در ایماندار، تبدیل را با تشریح کار نوزایی روح، الزام، مبرا شمردگی، و تقدیس، بررسی کردیم. و با سیری کوتاه در سکونت روح در ایمانداران و کار وی در تقدیس، شفاعت، و حفاظت ایشان، به نقش او در زندگی مسیحی پرداختیم.

در این مجموعه دروس دربارهٔ روح‌شناسی، الوهیت، شخص و عملکرد روح‌القدس را مطالعه کردیم. جنبه‌های مختلف نقش او در تثلیث، در جهان، در کلیسا، و در ایمانداران را به طور ویژه‌ای بررسی کردیم. مشاهده کردیم که روح شخصی از تثلیث است که به طور مستقیم در خلقت و در زندگی ما فعالانه عمل می‌کند. اگر به یاد داشته باشیم که خدمات روح تا چه اندازه مهم هستند، و چطور در کنار ما حاضر است، و اگر بر این حقایق تکیه کنیم، آمادگی بهتری برای عبور از مشکلات و سختی‌های زندگی خواهیم داشت. و خیلی بهتر متوجه خواهیم شد که خدا چقدر نیکوست، و چقدر شایستهٔ شکرگزاری، ستایش و وفاداری است.